

بچه‌ها

تفه بازی‌های کارلسون





ماجراهای کارلسون پشت بومها

تقه بازی های کارلسون

آسترید لیندگرن

مترجم: امیلی امرایی
تصویرگر: نعیم تدین



LILLEBROR OCH KARLSSON PÅ TAKET
 © Text: Astrid Lindgren 1955, 1962, 1968 /
 Saltkråkan AB

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق
 انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار
 ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با
 بستن قرارداد از بنیاد آسترید لیندگرن خریداری
 کرده است.

انتشار و ترجمه‌ی این اثر به زبان فارسی از
 سوی ناشران و مترجمان دیگر مخالف قوانین
 بین‌المللی و اخلاق حرفه‌ای نشر است.



سرشناسه: لیندگرن، آسترید (اریکسون)، ۱۹۰۷ - م.

Lindgren, Astrid (Ericsson)

عنوان و نام پدیدآور: حقه‌بازی‌های کارلسون / آسترید لیندگرن؛
 مترجم امیلی امرایی؛ تصویرگر نعیم تدین؛ ویراستار هدا توکلی.

مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص: مصور.

فروست: ماجراهای کارلسون پشت بومی؛ ۱.

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۳۶-۸

ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۳۷-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Karlsson-on-the-roof

موضوع: داستان‌های سوئدی -- قرن ۲۰ م.

موضوع: داستان‌های کودکان (سوئدی)

شناسه افزوده: امرایی، امیلی،

۱۳۶۲ - مترجم

شناسه افزوده: تدین، نعیم، ۱۳۵۹ - تصویرگر

شناسه افزوده: توکلی، هدا، ۱۳۶۱ - ویراستار

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ج ۱۹ پ ۳۹۸۷۵

رده‌بندی دیویی: ۸۳۹/۳۷۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۴۱۴۷۸۷

ماجراهای کارلسون پشت بومی ۱

حقه‌بازی‌های کارلسون

نویسنده: آسترید لیندگرن

مترجم: امیلی امرایی

تصویرگر: نعیم تدین

ویراستار: هدا توکلی

حروف‌چینی و تصحیح: ناهید وثیقی

مدیر هنری و طراح جلد: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: مریم عبدی

ناظر چاپ: مرتضی فخری

چاپ دوم: ۱۳۹۶

تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۳۶-۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۳۷-۵

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه دوم الف، پلاک ۳/۱ واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۸۳۰ www.hoopa.ir info@hoopa.ir
 همگی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است. ■ استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای نقد و معرفی آن مجاز است.





توی یک خیابان خیلی خیلی معمولی در شهر استکهلم،
توی یک خانه‌ی خیلی خیلی معمولی، خانواده‌ی خیلی خیلی
معمولی اریکسون زندگی می‌کنند، یک بابای خیلی معمولی
و یک مامان خیلی معمولی با سه تا بچه‌ی خیلی معمولی به
اسم‌های بابی، بتی و اریک.

اریک زود اعتراض می‌کند و می‌گوید: «من اصلاً هم
یک اریک معمولی نیستم.» اما اریک اشتباه می‌کند. البته
که او هم معمولی است. اصلاً دنیا پر است از پسر بچه‌های

هفت‌ساله‌ی چشم‌آبی با دماغ‌های کوچک، پسر بچه‌هایی که پشت گوش‌هایشان را نمی‌شویند و همیشه سر زانوی شلوارشان سوراخ است. برای همین دربارهی معمولی بودن اریک جای هیچ‌شکی نمی‌ماند.

بابی پانزده سال دارد و عاشق فوتبال است، توی مدرسه هم خیلی درس و مشقش خوب نیست، بنابراین او هم کاملاً معمولی است. بتی چهارده‌ساله است و موهایش را دم اسبی می‌بندد، درست مثل همه دخترهای معمولی دیگر.

بین همه‌ی ساکنان این خانه تنها یک نفر معمولی نیست، کارلسون پشت‌بومی. کارلسون اصلاً معمولی نیست.

ممکن است هر جایی از دنیا پر باشد از اتفاق‌های عجیب و غریب و متفاوت، اما توی استکهلم این‌جوری نیست. اصلاً هیچ‌کس در یک خانه‌ی کوچک روی بام زندگی نمی‌کند، جز کارلسون که خانه‌اش روی پشت‌بام است.

کارلسون کوچک و خیلی هم قلنبه است، البته خیلی هم

مبادی آداب و آقا به نظر می‌آید. از همه مهم‌تر اینکه می‌تواند پرواز کند! خُب، البته بقیه هم می‌توانند پرواز کنند، اما بقیه با هواپیما یا هلی‌کوپتر از وسط آسمان سر درمی‌آورند و تنها کارلسون است که خودش می‌تواند پرواز کند. برای او پرواز کردن خیلی هم راحت است، فقط کافی است دکمه‌ی وسط نافش را فشار دهد تا موتور فرزند و تیز پشتش روشن شود. بعد یکی‌دو ثانیه صبر می‌کند تا موتور گرم شود و آن وقت است که شتاب می‌گیرد و از روی زمین می‌رود بالا و بالا تا اینکه پرواز می‌کند. بعد درست مثل یک مرد حسابی توی هوا چرخ می‌زند و خیلی باوقار به پروازش ادامه می‌دهد. اگر روزی روزگاری عکس مردی کوچک و قلنبه را با یک پره روی پشتش دیدید، بدانید او کسی نیست جز کارلسون پشت‌بومی.

کارلسون در خانه‌ی کوچک روی پشت‌بام خیلی خوشحال و راضی است. شب‌ها می‌نشیند جلوی در، چپ‌ش را روشن

می‌کند و زل می‌زند به ستاره‌های آسمان که سوسو می‌زنند. معلوم است که آدم می‌تواند ستاره‌ها را از روی پشت‌بام بهتر از توی هر خانه‌ی دیگری ببیند، از خانه‌ی کارلسون می‌توان ستاره‌ها را از نزدیک دید.

و این برای بیشتر مردمی که روی پشت‌بام زندگی نمی‌کنند عجیب است. ساکنان شهر نمی‌دانند که می‌شود روی پشت‌بام هم زندگی کرد. اهالی شهر نمی‌دانند که کارلسون آن بالا برای خودش خانه‌ای کوچک دارد، یک خانه‌ی فسقلی مثل کلبه‌ای که پشت یک لوله‌بخاری بزرگ ساخته شده. این جووری پشت لوله‌بخاری پنهان می‌شود و تو چشم هم نیست. بیشتر مردم توجه‌شان به خانه‌های کوچکی مثل خانه‌ی کارلسون جلب نمی‌شود، اگر هم چشمشان به چنین خانه‌هایی بیفتد، خیلی به آن‌ها توجه نمی‌کنند.

مثلاً، یک‌بار که آقای لوله‌بخاری‌پاک کن آمده بود روی پشت‌بام لوله‌بخاری‌ها را تر و تمیز کند، چشمش به خانه‌ی

کارلسون افتاد. او از دیدن چنین خانه‌ی کوچکی در چنین جای عجیب و غریبی دهانش باز مانده بود. لوله‌بخاری‌پاک کن هاج و واج مانده بود و با خودش گفت: «چقدر عجیب! اینجا یک خانه هست. باورم نمی‌شود، اما انگار واقعاً یک خانه است، خانه‌ای روی پشت‌بام! چطور ممکن است؟» اما از خوش‌شانسی کارلسون، لوله‌بخاری‌پاک کن بیچاره همین که دوباره مشغول کار شد همه‌چیز را درباره‌ی آن خانه فراموش کرد و هرگز یاد آن خانه نیفتاد.

اما آشنا شدن با کارلسون برای اریک چیزی نبود که فراموشش کند. این آشنایی اتفاق خوب و بزرگ زندگی معمولی اریک شد، چون بعد از این آشنایی همین که کارلسون از بالای سر اریک پرواز می‌کرد، زندگی اریک پر می‌شد از ماجراهای هیجان‌انگیز و عجیب و غیرمعمولی. کارلسون هم از این آشنایی خوشحال بود و از ماجراهایی که برای اریک پیش می‌آورد راضی بود. به هر حال کارلسون

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند. چرا که:
نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.
سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب آسان‌تر می‌شود.
و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

..... به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر